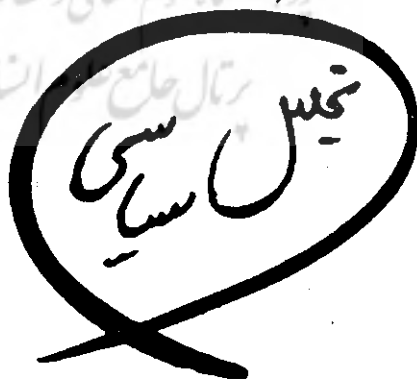




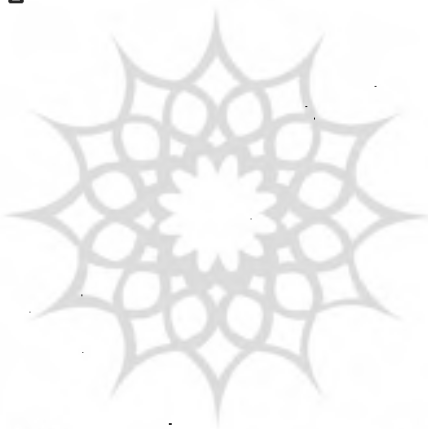
شوش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

انسانی



## □ برای برنامه‌ریزی اقتصادی - صنعتی باید تعریف «خود کفایی» را مشخص کنیم

□ مهندس مرتضی معیر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران واژه «خود کفایی» حائز اهمیت خاصی شده است. چرا که این واژه مترادف است با «استقلال» که اساس نظام اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد. اما به سبب عدم ارائه تعریفی مشخص از این واژه برداشت‌های متفاوتی از آن میشود و هر مسئولی بنابه برداشت و استنباطی که از معنی این کلمه دارد برنامه‌ریزی خاصی را در حیطه وظایف خویش - یا فراتر از آن - به اجرا درمی‌آورد. این امر سبب شده است که اولاً برنامه‌های متعدد ارائه شده دارای هدف یکسانی نبوده و هر یک جهت خاصی را تعقیب نمایند، ثانیاً با گذشت زمان و کسب تجربه و دانش از سوی

برنامه‌ریزان و تغییر سلیقه و ایده‌آهای آنان، برنامه‌ها نیز دچار تغییرات فاحش و بعضاً اساسی گردد.

برای اینکه مسأله فوق بیشتر روشن شود، به نمونه‌هایی از این برداشت‌ها اشاره می‌کنیم.

استنباط گروهی از مردم از کلمه «خودکفایی» اینست که هر کالائی اعم از صنعتی، کشاورزی، کاملاً در ایران تهیه شود این گروه عقیده دارند که کلیه مواد اولیه کالاهای واسطه‌ای و تولیدات صنعتی و نیمه‌صنعتی و... می‌بایستی طی یک برنامه‌ریزی صحیح، بعد از یک دوره اقتصادی در ایران ساخته شود و کشور از هر جهت بی‌نیاز از دیگران باشد. به عبارت دیگر خودکفایی یعنی به هیچ چیز دیگران احتیاج نداشتن.

گروه دومی که به یک تعبیر در قطب مقابل دسته اول واقع میشوند عبارتند از کسانی که عقیده دارند خودکفایی یعنی برابری میزان عرضه و تقاضا - این گروه میگویند بطور مثال خودکفایی در صنایع شیر یعنی اینکه آنچه که شیر در ایران مورد مصرف است تولید و یا وارد شود تا عرضه و تقاضا در حالت تعادل باقی بماند. و به اصطلاح عرضه شیر کفایت مصرف (تقاضا) را بنماید.

البته ناگفته پیداست که طرفداران این نظریه بسیار اندکند.

گروه سوم عقیده دارند که معنی خودکفایی نه اینست که ما (جمهوری اسلامی) در همه زمینه‌ها بتوانیم خود تولید کننده باشیم و از هیچ کشوری هیچ ماده‌ای را وارد کنیم. اینان عقیده دارند که اصولاً تصور چنین حالتی محال است و نباید گرفتار وسوسه اندیشه‌ای شد که نه تنها پیشرفتی در کار استقلال جمهوری اسلامی پدید نخواهد آورد بلکه راه را برای بازگشت مجدد بیگانگان هموار خواهد کرد. این گروه در دفاع از نظریه خویش ادعا میکند که چون جهان (اعم از سرمایه‌داری و سوسیالیستی) در حال حرکت بسوی تکنولوژی و دانش پیچیده‌تر است، توقف ما برای تولید ساده‌ترین و ابتدائی‌ترین مواد جمهوری اسلامی را از کاروان علم و دانش عقب خواهد انداخت و در آینده نزدیک آنها صنایع و روشهایی را مورد استفاده قرار خواهند داد که حتی کارکردن با آنها نیز برای ما مقدور نخواهد بود. به عبارت دیگر اگر امروز به

سبب فاصله نسبتاً کمی که میان دستگاهها و مواد مورد مصرف صنایع ما و کشورهای صنعتی وجود دارد ما میتوانیم با آنها مبادله اطلاعات نموده و سرعت از دانش و تجربه آنها استفاده نماییم. با گذشت چندسال، در صورتیکه به فکر نوکردن آموزشها و دستگاههای خود نباشیم، وسایلی ابداع و اختراع خواهد شد که ما حتی طرز کار با آنها را هم نمیتوانیم بسادگی فراگیریم و در نتیجه نیازمند استخدام کارشناسان آنها خواهیم بود و این امر خود استقلال و خود کفایی ما را به خطر خواهد انداخت.

البته نظریات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که ما فقط از باب نمونه به مورد آنرا ذکر کردیم و در اینجا در پی ارائه نظریات نیستیم و صرف نظر از اینکه بخواهیم صحت و سقم یک نظریه را بررسی نماییم، بیشتر درصدد آنیم که فتح بابی کرده باشیم برای بحث بیشتر در باب این مسأله و نهایتاً بدست دادن یک تعریف مشخص برای برنامه ریزی های آینده.

آنچه که در مسأله خود کفایی به نظر ما باید مورد توجه قرار گیرد عبارتست از

الف- تعیین اولویت ها. اول باید مشخص نماییم که چه مواد و محصولات برای اقتصاد ما جنبه حیاتی دارد و باید طی مدتی معین حتماً در ایران تولید شود. البته بطور کلی از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران، خود کفایی در امر کشاورزی به عنوان محور برنامه ریزی معین شده است اما این کلی گویی در شرایط پیچیده اقتصادی کنونی کفایت نمیکند و می بایست جزء به جزء و قلم به قلم مواد مورد ارزیابی قرار گیرند و اولویت های آنها مشخص شود.

مثلاً اگر فرض کنیم که تأمین گندم جامعه کنونی ایران (۴۰ میلیون نفر) مورد نظر برنامه ریزان است، می بایستی بموازات آن تأمین کود شیمیائی مورد لزوم، ماشین آلات کشاورزی، سموم دفع آفات نباتی، مسأله رقابت در سطح بین المللی (قیمت تمام شده) و... نیز دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد و راه های خود کفایی در آنها نیز بررسی گردد. برای مثال مشخص باید کرد که آیا خود کفایی در تولید گندم در صورتیکه در تولید ماشین آلات خود کفا باشیم و کود شیمیائی و سموم دفع آفات نباتی را از خارج خریداری کنیم با صرفه تر

است یا اینکه دو قلم اخیر را هم در ایران تولید نمائیم؟ و یا اگر تولید هر قلم کود شیمیائی و سموم دفع آفات نباتی در ایران امکان پذیر نیست، آیا خود کفایی در تولید گندم با صرف تولید ماشین آلات و کود شیمیائی در ایران با استراتژی جمهوری اسلامی مغایرتی نخواهد داشت؟

مسائلی که فوقاً بدان اشاره کردیم، مسایل بسیار دقیقی است که باید با دید کارشناسی مورد بررسی قرار گیرد. چه بسا صورت ظاهر بسیاری از طرح بسیار چشمگیر باشد اما از نظر اقتصادی به صلاح جمهوری اسلامی نباشد و واقعاً ایده‌ال زمانی است که جمهوری اسلامی به هیچ چیز دیگران محتاج نباشد، اما تفاوت آن وضعیت با شرایط کنونی چقدر است؟

متأسفانه با آنکه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی توجه فوق العاده‌ای نسبت به تأمین «خود کفایی» معطوف بوده اما ثمرات چشمگیری نداشته است. اگر چه در زمینه‌هایی پیشرفت‌های فوق العاده‌ای حاصل شده است اما در مجموع به دلیل عدم وجود تعریفی مشخص برنامه‌ریزی خاصی صورت نگرفته است.

حال برای اینکه معمولی‌تر سخن گفته باشم چند نمونه از این بی برنامه بودن را از زبان مسئولین یادآور میشویم تا خوانندگان محترم بیشتر در جریان امر قرار گیرند که این سردرگمی تا چه حد گریبانگیر مسئولین بوده است و آنها احتمالاً تحت تأثیر جو سیاسی واقع میشوند. البته در همین جا لازم است یادآوری نمائیم که در انتخاب افراد هیچ تعمدی در کار نبوده و فقط چون منابعی از این دست در اختیار نویسنده بوده است، بدان‌ها استناد کرده است مسلماً اگر منابع دیگری در اختیار داشت، قطعاً دیگر مسئولین هم سخنان قابل استفاده داشتند. بدیهی است که استناد به سخن این افراد، دلیلی بر انتقاد از شخص آنان نیست، بلکه صرفاً ارائه تفاوت‌های اساسی در تعاریفات مدنظر است اگر بخاطر داشته باشیم تعریفی که در ابتدای انقلاب از واژه خود کفایی میشد، تقریباً همان تعریف نخست بود و کلماتی که اکنون مسئولین مورد استفاده قرار میدهند در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی نه تنها جایز و دلچسب نبود بلکه موجبات برچسب‌هایی هم میشد. برای اینکه دقیقتر سخن گفته

باشیم اجازه دهید از زبان رئیس اطاق بازرگانی ایران نقل قول کرده باشیم:

«ما هم اکنون میتوانیم هشتاد درصد محصولات کشاورزی مورد نیاز دوبی را فراهم کنیم، اما به عللی از تأمین تولیدات کشاورزی آنها محروم مانده ایم چون تا کنون گاهی بعضی از ما فکر میکردیم که توسعه و گسترش صنعت بسته بندی یا تأمین مواد اولیه و قطعات یدکی برای واحدهای بسته بندی نوعی تجمل پرستی است. در حالیکه فقدان وسایل بسته بندی سبب شده که دستکم در زمینه کشاورزی ما را از صدور بسیاری از تولیدات صادراتی محروم سازد.»<sup>۱</sup>

همانطور که ملاحظه می نمائید، به اعتراف شخص ایشان نبود تعریف مشخصی از «تجمل پرستی» باعث زیان های فراوانی به اقتصاد محتاج به ارز ما شده است.

نمونه دیگر در مورد صنعت مونتاژ است. این واژه نیز در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی بسیار مطرود بود و هر کس که میخواست سخنی در باره صنعت و اقتصاد بگوید ابتدا دشنامی نثار وضع صنایع مونتاژ در ایران میکرد. اما رفته رفته از شدت فشارها کاسته شد امروز نه تنها به صورت یک واقعیت انکارناپذیر شده است بلکه تأکیدی بر افزایش تولیدات آن نیز میشود: برای نمونه نگاه کنید به این سخن معاون وزارت صنایع سنگین و رئیس هیات عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران:

«اگر نگوئیم تمام باید بگوئیم اکثریتی از این صنایع یا وابسته بودند یا بدهکاری یا به امراض صنعتی دیگری مبتلا شده بودند که در نتیجه در ابعاد گوناگون با بحران های چشمگیری دست بگریبان بودند بخصوص که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ما، مسائل بعد از انقلاب که الزامی و ضروری است به آنها اضافه شده بود، اما اساس فکر و تلاش ما این است که همه این صنایع را با بافت خاص خودشان و با تولید خاص خودشان بشرط آنکه تجملی و تشریفاتی نباشند، حفظ کنیم با این هدف که تولید آنها را مرتباً افزایش دهیم چرا که اگر کارخانجات ما تولیداتشان کاهش پیدا کنند، دولت ناچار خواهد بود که میزان کمبود را از خارج وارد کند در آنصورت نه فقط

وابستگی های اقتصادی کماکان استمرار پیدا خواهد کرد و ما را از ارزش افزوده ای که مملکت خواهد داشت، نیز محروم می نماید. بلکه خود این صنایع و کارخانجات نیز با رکود و کمبود تولید به انواع مشکلات دچار می شوند»<sup>۲</sup>

اگر مطالب بالا را دقیق مطالعه نمائید، مشخص خواهد شد که تعریف رئیس هیأت عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از «خود کفایی» تعریف دوم است. یعنی هر مقدار که در ایران از هر کالایی مصرف می شود یا باید وارد یا تولید شود و اگر تولید پائین بیاید ناچار سطح واردات باید افزایش یابد. بنابراین تلاش برنامه ریزان بایستی متوجه افزایش سطح تولید گردد.

(بهر قیمت)

ایشان در جای دیگر در تعریف خود کفایی چنین میگویند:

«برخلاف بعضی ها که معتقدند که باید کارخانجات مونتاژ را ببندیم تا الزاماً ساخت داخلی پیدا کنیم و به خود کفایی برسیم معتقدم که اگر صنعت محصولی دارد که مورد نیاز جامعه ما می باشد، بشرط آنکه تشریفاتی نباشد، باید به کارش ادامه دهد، حتی معتقدیم که باید تولیدش و کیفیت تولیدش را هم بالا برد و بموازات تیم هایی را برای ساخت ابزار و قطعات مورد نیازش تشکیل بدهد، کار را آنقدر دنبال کند، تا مرحله خود کفایی برسد. رسیدن به خود کفایی به معنی بستن صنایع موجود نیست.»<sup>۳</sup>

سئوالی که در اینجا مطرح میشود اینست که چرا و چگونه ایشان بیه این نتیجه رسیده اند و اگر کارخانجات مونتاژ همچنان باید تولیدات خود را افزایش دهند به چه دلیل (از نظر اقتصادی و سیاسی و فنی) لازم است قطعات آنها در ایران ساخته شود. چه بسا ممکن است یک بررسی دقیق و کارشناسی نشان دهد که مثلاً تولید موتور اتومبیل در ایران هیچگاه بصرفه نباشد و هیچ دردی را در امر استقلال و خود کفایی درمان نکند.

ب- تعریف واژه خود کفایی - حداقل برای سطوح برنامه ریزی کشور. چرا که اگر واژه خود کفایی تعریف شود، برنامه ریزی بسادگی امکان پذیر خواهد بود. اگر میزان سرمایه گذاری جدید و سطح تولید بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، افت چشمگیری

داشته است، علاوه بر دلایل سیاسی دلایل اقتصادی نیز داشته که بیشتر ناشی از همین نامشخص بودن تعاریف است.

البته کم‌تجربگی نیز مزید بر علت شده است. بطوریکه مدت‌ها مثلاً بر سر تولید یک محصول در ایران تحقیق و مطالعه شده است و در پایان نتیجه‌ای که حاصل شده این بوده که آن محصول یاد در ایران قابل ساخت نیست و یا اینکه تهیه آن اصولاً از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست.

به نظر ما باید گروهی از متخصصین متعهد و علاقمند به سرنوشت جمهوری اسلامی لیست اولویت‌ها را با بررسی دقیق مشخص نمایند و سپس تمام کارخانجات مرتبط با آنها را در جلساتی فراخوانند و با برنامه‌ریزی دقیق و آماده کردن شرایط، از آنها بخواهند که مثلاً طی مدتی معین حتماً باید درصد معینی از وابستگی خود بکاهند. و الا اگر با همین روند به پیش برویم یعنی درهای مملکت را بروی کالاهای خارجی باز بگذاریم و صاحبان صنایع رابه تولید کالاهای مونتاژ امیدوار سازیم و برنامه مشخصی هم برای کاستن از وابستگی ارائه ندهیم نه تنها در زمینه‌های اساسی به خود کفایی نخواهیم رسید، بلکه از نظر اقتصادی با بحرانهای بزرگی هم مواجه خواهیم شد.

روند حرکت چند سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مؤید ادعای فوق است چرا که بنابه اظهار رئیس اتاق بازرگانی ایران «هم اکنون در جدول صادراتی دنیا کشور ما حتی در زیر ممالکی نظیر بنگلادش، سریلانکا یا بسیاری از ممالک افریقایی قرار گرفته است»<sup>۴</sup> و همچنین مطابق آمار موجود از سهم گروه‌های نفت و صنایع و معادن در اقتصاد ایران تغییر محسوسی در سال ۱۳۶۰ نداشته است.<sup>۵</sup>

۱- هفته‌نامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران ۱۴ فروردین ۱۳۶۲ صفحه ۱۶

۲- هفته‌نامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران ۲۷ فروردین ۱۳۶۲ صفحه ۸ و ۷

۳- هفته‌نامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران ۲۷ فروردین ۱۳۶۲ صفحه ۸

۴- هفته‌نامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران ۱۴ فروردین ۱۳۶۲ صفحه ۱۶

۵- هفته‌نامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران ۲۷ فروردین ۱۳۶۲ صفحه ۱۷